

تالیف و تتبع توسط :

پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

-----[59]-----

قسمت اول

1- زمینه و عوامل یا شرایط بر حضور استعمار بریتانیا در نیم قاره هند:

ایده و عقاید نظام سلطنتی بریتانیا و حکومت بریتانیا بر هند امروز غیر قابل توضیح است از اینکه این واقیعت را باید در نظر داشت که از نوشتن تاریخ هندوستان تقریباً (4000) سال سپری میشود هندی که مراکز تمدن و فرهنگ های بویژه مربوط بخود را از قبیل فرهنگ اندیوس ویلی (indus valley) در هاراپا (Harappa) و موهنجو دورا (Mohenjo Dora) داشت . هند همچنین تا سال (1850) حد اقل (200) میلیون نفوس داشت .

طرف دیگر ، انگلیس تا قرن نهم میلادی (تقریباً 3000 سال پس از هند) هیچ کتاب نوشتاری بومی نداشت . جمعیت آن در سال « 1850 » حدود « 16.6 » میلیون نفر بود . پس ، انگلیس چگونه توانست که از « 1757 » تا « 1947 » هند را کنترل کند؟ به نظر می رسد عوامل کلیدی آن داشتن سلاح های برتر ، قدرت اقتصادی و اعتماد به نفس Eurocentric بوده اند .

تقابل اروپایی ها برای بدست آوردن مستعمرات در آسیا :

بعد از اینکه پرتگالی ها در سال « 1488 » دماغه امید یا (Cape of good Hope =

رودخانه کوهستانی در جنوب کیپ تاون ، آفریقای جنوبی ، در نزدیکی انتهای جنوبی آفریقا. در اواخر قرن پانزدهم توسط بارتولومئو دیاس ، که برای اولین بار توسط واسکو دا گاما در سال « 1497 » گشایش یافت . را در شاخ جنوبی آفریقا باز کردند یعنی که خطوط دریایی را به خاور دور با دزدی دریایی بعنوان معبرویا خطوط دریایی تجاری باستانی را در اقیانوس هند باز کردند و قدرت های اروپایی تلاش کردند تا پست های تجاری آسیایی خود را بدست آورند.

قرن ها وین ها (Viennes = شهر واقع در جنوب شرق فرانسه) بخش ویا مسیر اروپایی جاده ابریشم (جاده ابریشم یک شبکه از مسیرها ویا جاده و راه تجارت باستانی بود که رسماً در زمان سلسله هان چین تأسیس شد ، و مناطقی از جهان باستان را در تجارت بین سالهای (130) پیش از میلاد «-1453 » میلادی بهم پیوند داد. از آنجا که جاده ابریشم از شرق به غرب یک جاده یگانه نبود ، اصطلاح "مسیرهای ابریشم" به طور فزاینده مورد علاقه مورخان قرار گرفته است ، هرچند "جاده ابریشم" نام رایج و شناخته شده تری است

کاوشگر اروپایی مارکو پولو (1254-1324 میلادی) در این مسیرها سفر کرد و آنها را در کار معروف خود به عمق توصیف کرد ، اما به نام بردن آنها اعتبار ندارد. هر دو اصطلاح برای این شبکه از جاده ها توسط فردیناند فون ریختوفن ، جغرافیدان و مسافر آلمانی ، در سال « 1877 » میلادی ابداع شد ، که آنها را "Seidenstrasse" (جاده ابریشم) یا "Seidenstrassen" (مسیرهای ابریشم) تعیین کرد. پولو ، و بعداً فون ریختوفن ، کالاهایی را که در جاده ابریشم به جلو و عقب منتقل شده اند ، ذکر می کنند تفسیر توسط این قلم از منابع خارجی) را کنترل میکردند و از فروش ابریشم ادویه جات ، ترشی جات ، پینی های زیبا ، و فلزات گرانبها سودهای کلان بدست می آوردند انحصار وین ها با تاسیس ویا آغاز هجوم اروپایی ها در تجارت دریایی به پایان رسید - در ابتدا قدرت های اروپایی در آسیا فقط به تجارت و دادوگرفت علاقه داشتند اما با گذشت زمان آنها بیشتر به دستیابی ویا تصرف به قلمروها علاقمند شدند از جمله کشورهای که بدنبال قلمروها و سرزمین ها بودند که یکی از آنها همین انگلیس ها بود که به اشغال هند داخل اقدامات شدند .



عکس از ارشیف بریتانیا

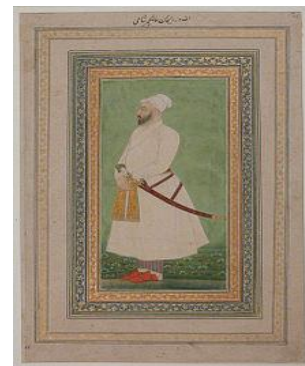
ویا که به یک روایت دیگر واقعیت این است که انگلیس تنها پس از سال « 1600 » میلادی به اینجا رسیدند خیلی قبل از اینها یعنی از انگلیس ها ، پرتگالی ها « Portugese » در سال « 1498 » میلادی به اینجا رسیدند و فعالیت خود را آغاز کردند و سپس فرانسویها و هلندیهها نیز فعالیه های همسان را دنبال کردند. این بدان معناست که وقتی انگلیسی ها به اینجا رسیدند ، پادشاهان و تجار در گفتگو با آنها به مشکلی روبرو نبودند زیرا آنها قبلاً با زبانهای مختلف اروپایی به دلیل تجارت و تجارتهای غنی که با این پیشینیان انجام میدادند با آنها آشنا بودند.

اما هنوز شک وجود دارد. پس از آنکه در سال « 1498 » میلادی به اینجا آمدند ، چگونه پرتگالی ها (Portugese) با حاکمان هند ارتباط برقرار کردند؟

واسکو دا گاما ، که به دلیل کشف مسیر دریایی به هند از اروپا مشهور است ، در ساحل کالکات در منطقه Kozhikode در ایالت کرالا واقع شده است. حاکم آن زمان « Kozhikode Samoothiri » بود. وی قبلاً از طریق مسیر دریایی روابط تجاری بسیار غنی و باشکوهی با کشورهای آسیای میانه ، عربی و آفریقا (به ویژه مصر) برقرار کرده بود. تاجران مسلمان این کشورها در آن زمان تجارت خود را انجام میدادند. بنابراین ، هنگامی که داگاما به او رسید ، وی برخی از بازرگانان اسلامی را به Kozhikode آورد تا زبان خود را ترجمه کند (آنها ممکن است اسیر شوند).

نبرد پلاسی (The Battle of Plassey) :

انگلیس از حدود سال (1600) در هند تجارت میکرد و اما شروع به تصرف بخش های وسیعی از این سرزمین تا سال (1757)، بعد از نبرد پلاسی نکرد. در این نبرد (3000) سرباز انگلیسی از شرکت هند شرقی بریتانیا در برابر (5) هزار نفری نواب جوان بنگال سیراج اود دولا (Siraj ad daula) و متحدان فرانسوی شرکت هند شرقی به جنگ پرداختند جنگ از صبح جون سال (1757) آغاز شد، باران شدید با روت و پودر توپ های **نواب** را مرطوب و خراب کرد (انگلیس های توپ های خود را پوشانده بودند) و منجر به شکست لشکر نواب بنگال شد؛ نواب حد اقل (500) سرباز خود را در این جنگ از دست داد در حالی که انگلیس ها تنها (22) نفر خود را از دست دادند انگلیس معادل در حدود (5) میلیون دلار از خزانه بنگال غنیمت گرفت یاکه پول خزانه را دزدید و آن پول را برای تقویه ارتش خود بمصرف رساند.



ملاقات لرد کلیو با میر جعفر پس از نبرد پلاسی ، (فرانسیس هیمن ، حدود 1762)
نواب سراج الدوله

اگرچه که این بیشتر از جنگ یک کشمکش بود؛ پیروزی انگلیس در تحت رهبری رابرت کلیو (Robert Clive) در جنگ پلاسی بنگال یک رویداد مهم در تاریخ هند بود

. نواب جوان بنگال **سراج الدوله** (Siraj ad daula) در ماه جون سال (1756) هنگامیکه قسمت مشهور از زندان بنام سیاه چاله (Black Hole) □□ به تصرف خود درآورد و **کلکته** را از کمپنی هند شرقی با یک ارتش عظیمی گرفت و سپاهیان آن کمپنی را در آن زندان محبوس کرد و تا ماه اگست نگذاشت که خبر آن در **مادراس** به شرکت هند شرقی برسد و نه هم تا ماه اکتوبر که **رابرت کلیو** که اکنون (32) سال عمر داشت در **مادراس** یک نیرو از لشکریان مختلط خود اعم از اروپایی ها و هندی ها که تعدادشان تا (2500) نفر میرسید بطرف **کلکته** حرکت افتاد و ارتش **سراج الدوله** را در اوایل ماه جنوری از آنجا بیرون راند .

رابرت کلیو تصمیم گرفت که بهترین راه برای تامین منافع شرکت در بنگال جاگزین کردن **سراج الدوله** با یک نواب جدید و پرتحرک است وی یعنی **رابرت کلیو** یک جنرال سالخورده بنام **میرجعفر** را مناسب به این مقام بعوض **سراج الدوله** دانست که بعد از بحث و گفتگوهای پیچیده و وعده رشوه عظیم به همه افراد مربوطه توافق پنهانی در محله های زنان خانه **میرجعفر** که البته توسط **جاسوسان سراج الدوله** نظارت و مشاهده می شد صورت گرفت و **میرجعفر** در خفا این توافقنامه را امضا کرد. علیرغم به ظاهر اعتراضات جدی **رابرت کلیو**؛ **سراج الدوله** میدانست که توطیه ای علیه او وجود داشته است، بطرف جنوب به سمت پلاسی حرکت کرد؛ در تاریخ (13) ماه جون **رابرت کلیو** با حدود (2000) سپاه هندی (600) پیاده نظام انگلیسی قطعه سونهمین قوای پیاده و نزدیک به (200) توپخانه با (10) قطعه میدانی و **دوپیما نکار کوچک** به سمت شمال در حرکت افتاد در این وقت آقای **رابرت کلیو** پیام های مبهمی از **میرجعفر** در می یافت یا پیام های مبهم در می آمد که این پیام ها برشانه های **رابرت کلیو** سنگینی میکرد و میدانست که چه باید بکند به نظر میرسید که وی دچار بحران اعتماد شده است پس او **موران** خود را در (21) ماه جون به شورای جنگ احضار کرد. اکثریت از جمله **رابرت کلیو** مخالف عملیات بودند در این مقطع از زمان طبق گفته ای دوست اش **رابرت اورمه** (Robert Orme)؛ **رابرت کلیو** در زیر یک درخت نشست و تا یک ساعت با خود به تعمق پرداخت و بعداً دستور داد که ارتش به سمت پلاسی حرکت کنند .

این درگیری در صبحگاهی ابری در شمال روستای پلاسی در ساحل رودخانه **هوگلی** (Hoghli river) رخداد. ارتش در تحت رهبری **رابرت کلیو** در سه بخش کشیده شد؛ همچنان ارتش **نواب** که احتمالاً (40000) مرد با فیل های جنگی خود و بیش از (50) توپ جنگی داشتند در تحت قومانده **میرجعفر** قرار داشتند - بعد از یک فیر توپ بگونه آغاز جنگ،

رعد و برق در ظهر آن روز بابران شدید صورت گرفت که این با ران ساعت ها طول کشید ؛ قوای انگلیس توپها و تمام وسایل و مهمات جنگی خود را با پوشاندن از باران حفاظت کردند (ولی دشمن یعنی لشکریان نواب نتوانستند که تجهیزات خود را از باران محفوظ بدارند که به این وسیله تمام باروت و پودرو ...شان مرطوب و از کار افتاد) وقتی که نواب جعفر به جلو حرکت کرد با فیر توپ های انگلیس مواجه شد در این وقت جعفر نواب عقب نشینی کرد و سراج الدوله که به جنرال های خود بی اعتماد شده بود و قبلاً نسبت به شکست قریب الوقوع خود که توسط ستاره شنا سان ویا نجومیانی که رشوه گرفته بودند به او هشدار داده بودند که در جنگ مغلوب میشود و هنگامیکه **میر جعفر** به او توصیه کرد که با ید عقب نشینی کنیم او اعتماد خود را از دست داد و با حمله دوباره ارتش **رابرت کلیو** او با یک شتر سریعاً از میدان نبرد فرار کرد و ارتش اش شکست خورد و انگلیس ها ساعت (5) بعد از ظهر به محل داخل شدند و اسیران خود را آزاد ساختند. حسب گفته های **رابرت کلیو** در حدود (18) نفر از انگلیس ها در این جنگ مردند حالانکه از لشکریان نواب سراج الدوله در حدود (500) نفر به قتل رسیدند و **سراج الدوله** توسط مردم خودش کشته شد و **میر جعفر** به جای او تکیه زد و **رابرت کلیو** در ظاهر امر اقتدار **میر جعفر** را هر چه بیشتر تقویه کرد . درگیری در پلاسه برای پیروزی شرکت هند شرقی نسبت به رقبای فرانسوی خود و در طولانی ترین مدت برای استقرار حکومت انگلیس در هند بسیار مهم بود .

هند در تحت تسلط شرکت هند شرقی

عناوین جایگزین: شرکت انگلیس شرقی هند ، شرکت انگلیسی هند شرقی ، فرماندار و شرکت بازرگانان تجارت لندن به هند شرقی ، شرکت متحد بازرگانان انگلیس که به هند شرقی مشغول تجارت هستند



نمایی کمپنی

شرکت هند شرقی، با نام رسمی شرکت انگلیسی هند شرقی، به طور رسمی (1600 - 1708) فرماندار و شرکت بازرگانان تجارت لندن به هند شرقی یا (1708-1773) شرکت انگلستان بازرگانان انگلستان که به شرکتهای شرقی مشغول تجارت هستند، شرکت انگلیسی تشکیل داد برای بهره برداری از تجارت با شرق و جنوب شرقی آسیا و هند، که توسط منشور سلطنتی در تاریخ 31 دسامبر 1600 انجام شده است. این شرکت به عنوان یک نهاد تجارت انحصاری، درگیر سیاست شد و از اوایل قرن هژدهم به عنوان عامل امپریالیسم انگلیس در هند عمل کرد. قرن تا اواسط قرن نوزدهم. علاوه بر این، فعالیتهای این شرکت در چین در قرن نوزدهم به عنوان عامل تقویت کننده نفوذ انگلیس در آنجا خدمت کرده است.

نقش کمپانی هند شرقی در هندوستان (انگلیسی: Company rule in India) اشاره به حاکمیت و نقش فزاینده این کمپانی بریتانیایی در بخشهایی از شبه قاره هند دارد که تقریباً از «۱۷۵۷» و پس از نبرد بلاسی آغاز گردید، نواب بنگال و مرشدآباد با پذیرفتن شکست در این نبرد، قلمرو خود را تسلیم کمپانی بریتانیایی نمود.^[۱۷] هرچند این موضوع تنها عامل اصلی نبود و مواردی دیگری نیز در این جریان تأثیرات بسزایی داشت. در سال ۱۷۶۵ میلادی، کمپانی به شورا تضمین داد که می‌تواند عایدات بنگال و بیهار را دریافت نماید.^[۱۸] همین‌طور نیز در سال «۱۷۷۳» اقدام به پایه‌گذاری مرکزی در کلکته برای گماشتن ژنرال وارن هاستینگز، نخستین والی و فرماندار آن حدود نمود.^[۱۹] کمپانی در سال ۱۸۱۸ نیز، با شکست مراتا در سومین نبرد انگلستان و مراتا و برکناری پیشوا قلمروی وی را متصرف گردید. در همین زمان، انگلستان تبدیل به نیروی برتر در هندوستان گردید.^[۲۰]

کمپانی هند شرقی به واقع، یک کمپانی خصوصی و متعلق به سهامدارانش بود که گزارش مستقیم را به هیئت مدیره در لندن انتقال می‌داد. اصل کلی در جهت پایه‌گذاری این کمپانی به واسطه انحصاری نمودن تجارت بود که این مهم به گونه فزاینده‌ای با کمک دولت‌های محلی و نیروی نظامی آنها و همین‌طور قوه قضایی شکل گرفت. منفعت حاصله به دلیل دشواری‌های برآورد آن به سختی قابل بررسی بود چرا که کارکنان کمپانی بیشتر عایدات و وجوه دریافتی را به جیب خود منتقل می‌نمودند. دولت اصلی بریتانیا کنترل ناچیزی داشت. افزایش خشم عمومی به واسطه فساد و بی‌مسئولیتی مقامات کمپانی در کنار ظهور طبقه جدیدی از دورگه‌های انگلیسی - هندی موسوم به نابوب که در مدتی اندک، اعتبار و ثروتی هنگفت اندوختند^[۲۱] دست‌مایه‌ای شد در جهت اجرای قانون بیتز ایندیا در سال ۱۷۸۴ که به واسطه آن، دولت بریتانیا برای اولین مرتبه و به‌طور مؤثر کنترل

کمپانی هند شرقی را به دست گرفت. سیاست‌های جدیدی برای کارمندان نخبه و زبده امپراتوری به مرحله اجرا گذاشته شد تا کمکی باشد بر تقلیل و کاهش فساد. طبق استانداردهای بریتانیا، صاحب منصبان انگلیسی می‌بایست در بخش‌های جداگانه‌ای زندگی می‌نمودند. نقش کمپانی در هندوستان تا تاریخ ۱۸۵۸ ادامه داشت و پس از شورش‌های ۱۸۵۷ در هند، کمپانی منسوخ گردید. بر پایه اعلامیه ۱۸۵۸ قانون دولت هند، د پارتمان دولتی بریتانیا در هند موسوم به اینڈیا آفیس، با تشکیل دولتی انتقالی از کمپانی هند شرقی به دولت بریتانیای ویکتوریا، مسئولیت مستقیم اداره هندوستان جدید با نام راج بریتانیا را بر عهده گرفت که تا سال ۱۹۴۷ ادامه داشت. (ازویکی پدیا)

شرکت هند شرقی در درجه اول علاقمند به تجارت پنبه، ابریشم، چای، و تریاک بود. اما بعد از نبرد پلاسیه در بخش‌های درحال رشد هند نیز بعنوان مرجع نظامی عمل کرد. تا سال (1770) مالیات سنگین شرکت و سایر سیاست‌ها؛ میلیون‌ها بنگالی را فقیر کرده بود درحالی‌که سربازان و بازرگانان انگلیس ثروت خود را رقم می‌زدند؛ هند یها گرسنه می‌شدند. بین سال‌های (1770) و (1773) حدود (10) میلیون نفر (یک سوم جمعیت) در اثر قحطی در بنگال جان خود را از دست دادند. در این زمان هندی‌ها نیز از داشتن مقام عالی در سرزمین خود محروم بودند یعنی به مقامات بلند دولتی راه نمی‌یافتند که انجام وظیفه کنند انگلیس‌ها آنها را ذاتاً فاسد و غیر قابل اعتماد می‌پنداشتند.

کمپنی ویا شرکت هند شرقی سرانجام در اثر فرمان ویا مجوز **ملکه الیزابت اول** شخصیت حقوق واصلی را بخود گرفت وآن اینکه قبل از سال (1600) یعنی سال ایجاد شرکت هند شرقی؛ شرکت‌های هند شرقی دیگری نیز به نمایندگی از کشورهای چون فرانسه، هلند و اسپانیا و پرتغال در هند به دادوستد و تجارت مصروف بودند و آنهم از اثر مساعی و زحمات **واسکودگا ما** که مسیر دریایی را به نیم قاره هند راهیابی کرده بود که اروپایی‌ها توانستند ثروت‌های سرشاری را از شرق بغرب بعد از چور و چپاول انتقال دهند – لذا **ملکه الیزابت اول** وقتی از موضوع غارت و چپاول هم قاره‌ای‌ها ایش مطلع شد تصمیم گرفت که انگلیس‌ها نیز باید در هند به ایجاد شرکتی بخاطر غارت ثروت‌ها اقدام نمایند – چونکه بمنظور ایجاد



ملکه الیزابت اول ، که به مناسبت شکست آرمانادای اسپانیایی در سال 1588 در اینجا به

تصویر کشیده شد ، منشورهند

شرقی (دوازده سال بعد)

همچو شرکت در (24) ماه سپتمبر سال (1599) در حدود (40) بازرگانان و ماجراجویان انگلیس درسالن بناینگذاران درشهر لندن باهم ملاقات کردند و تصمیم گرفتند که از ملکه الیزابت اول درخواست تا سیس یک شرکت را بنمایند که مجوز حقوقی و رسمی سلطنتی را داشته باشد ؛ همان بود که یک سال بعد از آن ملکه الیزابت از طرف سلطنت فرماندار شرکت و به تعداد (218) بازرگانان را با صد و رفرمان موظف ساخت تا که همچو شرکتی را تا سیس نمایند یعنی یک شرکت سهامی نه شرکت فامیلی ازاینکه سوابق همچو شرکت سهامی را که شرکت سهامی بنام مسکویی (MUSCOVY) که قبلا با داشتن اسامه در سال (1555) توسط شرکا در مسکو تا سیس شده بود داشتند - لذا با استفاده از آن بازرگانان انگلیس بعد از (44) سال از تا سیس شرکت مسکویی ؛ شرکت هند شرقی را در هند ایجاد کردند و برای مدت (15) سال حق انحصار را با فرمان ملکه الیزابت بدست آوردند و برای این شرکت در پهلوی اکثر امتیازات یک امتیاز دیگر هم داده شد که بخاطر تقویه این شرکت مسولین شرکت مذکور میتوانند که به جنگ و جدل نیاز مبادرت ورزند . این شرکت بعد از تاسیس به غارت و چپاول دارایی ها و ثروت های مردم پرداخت تا جایکه واژه ای غارت اولین کلمه هندی بود که در فرهنگ یا دروازه نامه اکسفورد درج شد .

سرتوماس رو (Roe) سفیر فرستاده توسط جیمز اول به دربار مغول در سال (1614) در مقابل امپراتور جهانگیر پسر جلال الدین «اکبر» اعتماد نامه خود را پیشکش میکند و از همان تاریخ به بعد روابط د یلما تیک با هند برقرار میشود از اینکه قبلاً بین هند و انگلیسی روابط تجاری برقرار بود.

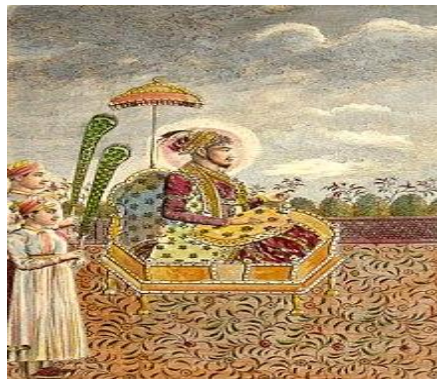
بهر صورت **ملکه الیزابت اول** بخاطر مستحکم شدن پایه های شرکت هند شرقی بودجه هنگفتی را در اختیار بازرگانان انگلیسی گذاشت یعنی که به آنها کمک رسمی نمود . قابل تذکر است و آن اینکه شش سال قبل از سفر روی (Roe) سفیر انگلیس به هند در (28) ماه اگست سال (1608) **ویلیام هاوکینز (William Hawkins)** اولین فرمانده کشتی هند شرقی بود که به خاک هند پا گذاشت و راه آگره را در پیش گرفت جایی که وی همسری را که امپراتور به او پیشنهاد کرده بود به همسری پذیرفت و در بازگشت او را با خود به انگلستان آورد این یک نسخه ای از تاریخ بود که در اینجا ذکر شد .

ظهور شرکت هند شرقی با کاهش و یا وقول فاجعه آمیز سریع مغول ها در طول قرن (18) امکان پذیر شد. در اواخر سال (1739) زمانیکه رابرت کلیو (Robert Clive) تنها (14) سال عمر داشت - مغول ها هنوز بر امپراتور حاکم بودند که از کابل تا مادراس امتداد داشت. اما در آن سال **نا در افشار**



جمعیت بزرگ از شرکت هند شرقی. عکس: گتی ایماژ
جنگجو و ماجراجویی پارس با (150000) سواره نظام از گذرگاه خیبر پاس خود را به

هند رساند و (1.5) ملیون مردان ارتش مغول را شکست داد. او بعد از سه ماه توقف در هند به پارس بازگشت نمود و با خود گنجینه ای ذخیره شده (200) ساله مغول را انتقال داد؛ گنجینه ای که شامل تاج باشکوه طاوس از شاه جهان الماس کوه نور بزرگترین الماس در جهان و خواهر الماس کوه نور بنام الماس دریای نور جمع دیگر جواهرات و سنگهای قیمتی و زیورات و ثروت ها را توسط (700) زنجیر فیل، (4000) نفر شتر و (12000) راس اسب انتقال داد که ارزش این گنجینه در آن زمان بالغ به (87,5) میلیون پوند سترلینگ میشد. و بعد از چور و غارت اموال توسط نادر افشار غارتگری بنام رابرت کلیو انگلیس ثروت ها و گنجینه ها و زیورات از بنگال را غارت کرد و به ثروت خود افزود.



شاه جهان

این غارت و چپاول که توسط نادر افشار صورت گرفت موجب سقوط امپراتوری مغول ها شد. در همان سال ها بود که فرانسوی ها یعنی اعضای شرکت هند شرقی فرانسه سکه ها، جواهرات، زیورات و را دزدیدند و بدون آنکه کسی جلو آنها را بگیرد از هند به فرانسه انتقال دادند و شرکت هند شرقی انگلیسی نیز با تجارب دردست داشته ای خود به چور و چپاول گسترده دست زد چنانچه که اکثر اموال قیمتی و تاریخی و گنجینه های تاریخی را که رابرت کلیو و پسرش ادوارد کلیو از هند ربوده بودند در قلعه ای بنام (Powis Castle) که توسط یک شهزاده انگلیس بنا یافته بود جا بجا ساختند که اکثر این اموال نشانه های از هندرا داشت اهمیت تاریخی این قصر در این است که ملکه ویکتوریا هنگامیکه طفل بود توسط مادر خود از این قصر بازدید بعمل آورده بود؛ کمپنی هند شرقی توانست که از نظر تجارت و دادوستد جهان را تکان دهد یعنی که تعادل تجاری جهان را برهم زد و یا معکوس ساخت و ثروت های سرشاری بشمول خشت های طلا از شرق به غرب سرازیر شد؛ شرکت هند شرقی تجارت تریاک را به چین رونق داد و از غرب

چین به تجارت چای پرداخت یعنی که چای را به ماساچوست (Massachusetts) دادوستد میکرد جایکه در بندر بوستون باعث درگیری جنگ و استقلال امریکا از جنگ انگلیس شد

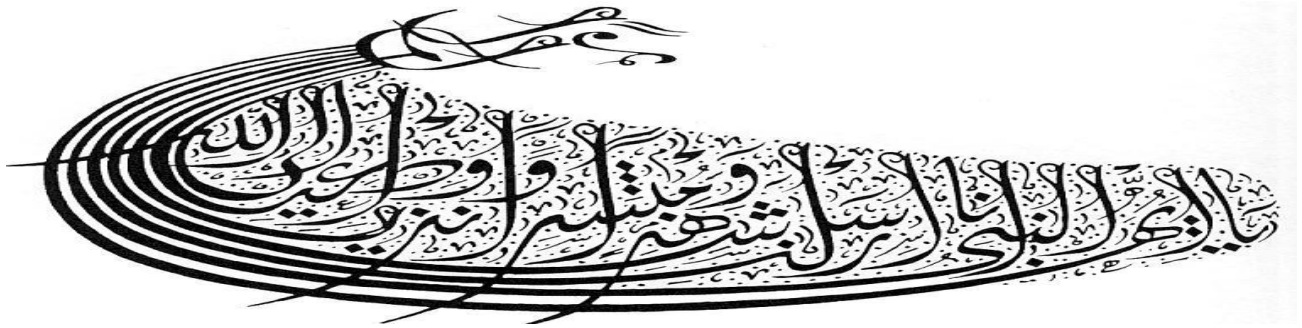


کاخ ویا قصر پا وس (powis)

در سال (1803) وقتی که کمپنی هند شرقی دهلی پا یبخت مغول را به تصرف خود درآورد یک نیروی امنیتی خصوصی در حدود (260000) دوبرابر ارتش انگلیس را آموزش داده و قدرت بیشتری را از هر کشور و ملتی در آسپا بوجود آورده بود؛ همچنین در این مرحله دولت، خدمات گسترده ای پیشرفته را سروصورت داد و بخش اعظم حوزه های لندن را اعمار و نزدیک به نیمی از تجارت انگلیس را رونق خاصی داد. جای تعجب نیست که خود را بزرگترین جامعه بازرگان جهان می نامید.

با اینحال مانند بسیاری از شرکت های بزرگ اخیراً، کمپنی هند شرقی بسیار قدرتمند و عجیب در برابر عدم قطعیت اقتصادی آسیب پذیر بود؛ تنها هفت سال پس از اعطای **خط دیوانی (خط دیوانی)** از جمله خطوط **خوشنویسی اسلامی** است که امروزه در کشورهای عربی رواج نسبی دارد. ابداع کننده این سبک شخصی به نام **حسام رومی** بود. خط دیوانی در ترکیه **عثمانی** رواج زیادی داشت و کاربرد آن در زمان امپراتور عثمانی، **سلیمان یکم** به اوج خود رسید. **خط دیوانی** اگر بدون حرکات و تزئینات باشد آن را **خفی** و اگر دارای تزئینات نقطه و حرکات باشد آن را **راجلی** گویند. نوشتن این نوع خط مستلزم صرف وقت زیاد میا شد **از ویکی پدیا** (وقتی قیمت سهام این شرکت در طول گذشت یک شب دو برابر شد پس از به دست آوردن ثروت خزانة بنگال، حباب هند شرقی پس از غارت و قحطی در

بنگال پشت سر گذاشت و منجر به کسری گسترده در درآمد زمین مورد انتظار شد. شرکت هند شرقی با بدهی های (1.5) میلیون پوند و قبض (1) میلیون پوند مالیات بدون پرداخت به تاج واکذار شد. هنگامی که دانش ویا اطلاع در مورد این عمومی شد، (30) بانک ما نند دومینو در سراسر اروپا سقوط کردند و تجارت را به بن بست کشا نند.



خط دیوانی



در صحنه ای که امروز برای ما بسیار نا آشنا به نظر می رسد، این شرکت بیش از حدتها جمی باید پا کسازى شود و درخواست کمک مالی گسترده ای برای دولت کرد. در 15 ژوئیه سال 1772، مدیران شرکت هند شرقی برای وام (400000) پوندی به

با نك مرکزی انگلیس مراجعه کردند. دو هفته بعد ، آنها بازگشتند و درخواست (300000 پوند اضافی دادند. این بانک تنها 200،000 پوند جمع آوری کرده است. تا ماه آگوست ، مدیران به دولت زمزمه می کردند که در واقع به یک بی سابقه (1) میلیون پوند دیگر نیاز دارند. گزارش رسمی سال بعد ، نوشته شده توسط اد موند بورك ، پیش بینی کرده بود که مشکلات مالی (EIC = کمپنی هند شرقی) می تواند "مانند سنگ آسیا ب ، دولت [دولت] را به يك پرتگاه غیرقابل تحمل بکشاند ... این شرکت نفرین شده ، بالاخره مانند یک ادم خائن و بد نهاد ، نابودی کشوری است که آن را به زانو درآورد. "

شرکت هند شرقی واقعاً خیلی بزرگ بود که شکست بخورد. به این ترتیب بود که در سال « 1773 » با اولین کمک هزینه تاریخ نجات یافت

اما برخلاف برادران لمان ، شرکت هند شرقی واقعاً خیلی بزرگ بود که شکست بخورد. بنا براین این بود که در سال (1773) ، اولین شرکت چند ملیتی تنها جمعی جهان با اولین کمک مالی تاریخ صرفه جویی شد - اولین نمونه از استخراج یک کشور ، به عنوان قیمت آن برای پس انداز یک شرکت ناقص ، حق تنظیم و تقویت شدید آن.

فشرده تر اگر بگویم شرکت هند شرقی : شرکت هند شرقی (EIC) از مبداء آن بعنوان یک شرکت کوچک در لندن ، به عنوان یک سازمان تجاری و سیاسی قدرتمند پدید آمد که حضور آن در خلیج فارس به شکل دادن به تاریخ مدرن این منطقه کمک کرد.

شرکت هند شرقی از یک شرکت کوچک که توسط گروهی از بازرگانان شهر لندن اداره می شد ، تکامل یافت که در سال « 1600 » منشور سلطنتی به انحصار تجارت انگلیس در کل آسیا و اقیانوس آرام داده بود.

سرکشی هندی ها در سال (1857)

شورش « ۱۸۵۷ » (نام های دیگر : جنگ اول استقلال هندوستان ، شورش کبیر ، شورش سربازان هندوستان ، شورش « ۱۸۵۷ » ، شورش سپاهیان) از سوی سپاهیان هندی شاغل در کمیانی هند شرقی بریتانیا (سیپوی ها) در ۱۰ مه ۱۸۵۷ در شهر میروت شروع شد و به سرعت به شورش های سربازان و مردم عادی بخصوص در فلات گنگ علیا و مرکز هندوستان انجا مید.

سربازان شورشی هندی **بهادر شاه دوم** را که در آن زمان (۸۲) سال داشت و مقرری ماهانه‌اش را از دولت بریتانیا دریافت میکرد را به عنوان «پادشاه و رهبر خود» خواندند. این شورش به سرعت به نواحی دیگر نیز راه یافت و **کا نپور**، **لکهنو** و به ویژه در بخشهایی از **بیهار** نیز مردم مخالفت خود را با حضور و نفوذ انگلیسیها اعلام کردند. دو روز بعد بهادر شاه برای هدایت قیام و تنظیم امور سپاه و کنترل شهر فرمانهایی صادر کرد.^[۱] وی به خوبی آگاه بود که نیروهای انگلیسی به زودی به سرکوب آنها خواهند آمد؛ از این رو برای متحد ساختن امیران، شاه زادگان و راجه‌های مناطق دیگر به پا خاست و در تاریخ «۲ مه ۱۸۵۷» اعلام کرد که برای آزادی هندوستان از چنگال انگلیسی‌ها می‌جنگد و پس از آن از دنیای سیاست کناره‌گیری می‌کند. وی همچنین نامه‌ای به ۳ گروه زمین‌داران، سپاهیان و صنعت‌گران نوشت و یادآوری پایگاه و اهمیت آنان در دوره فرمانروایی بابرین، خواهان اتحاد و حمایت شان از شاه و قیام شد. اما این درخواست بی‌پاسخ ماند و دوران فرمانروایی او برده‌لی بیش از «۴ ماه» دوام نیافت. در پی هجوم نیروهای **ارتش بریتانیا** به شهر دهلی، بهادر شاه به **آرامگاه همایون**، دومین پادشاه تیموری هند پناه برد. در تاریخ ۲۰ سپتامبر ژنرال ویلسن دهلی را تصرف کرد و با تعقیب شورشیان، بهادر شاه و خانواده‌اش نیز گرفتار شدند.^[۱]

تخاسمات اصلی در مناطقی بود که در هند امروز واقع در **اوتار پرادش**، **بیهار**، **شمال مادیا پرادش** و منطقه دهلی هستند. این شورش خطر مهمی در مقابل قدرت بریتانیا در منطقه بود و تنها با سقوط **گوالیور** در «۲۰» ژوئن «۱۸۵۸» به پایان رسید.

در پیامد این شورش‌ها بود که دوران حکومت مستقیم لندن بر هندوستان و دوره «راج بریتانیا» آغاز شد و تا سال ۱۹۴۷ به طول انجامید.



بها در شاه دوم

سیپوی موتینی یک قیام خشن و بسیار خونین علیه حکومت بریتانیا در هند در سال 1857 بود. با نامهای دیگر نیز شناخته می‌شود: **موتوری هندی**، **شورش هند** در سال 1857 یا **شورش هندی 1857**.

در انگلیس و غرب تقریباً همواره به عنوان مجموعه ای از قیام های غیرمنطقی و خونخوار به تصویر کشیده میشد که توسط دروغین درباره عدم حساسیت مذهبی برانگیخته می شد. در هندوستان کاملاً متفاوت مشاهده شده است. وقایع سال 1857 اولین شیوع جنبش استقلال علیه حکومت انگلیس تلقی شده است.

قیام فروپا شید ، اما روشهایی که انگلیسی ها به کار گرفتند آنقدر سخت بود که بسیاری در جهان غرب توهین کردند یک مجازات معمول این بود که متجاوزان را به دهان توپ بچسبانید و سپس توپ را آتش بزنید و قربانی را کاملاً از بین ببرید.

یک مجله مشهور مصور آمریکایی ، "Ballou's Pictorial" ، یک تصویر چوبه دار تمام صفحه را نشان می دهد که مقدمات چنین اعدامی را در شماره (3 اکتبر 1857) خود نشان می دهد. در انتظار اجرای قریب الوقوع او ، هما نظر که دیگران برای تماشای این تماشای وحشتناک جمع شدند.

زمینه یا شرایط بروز شورش (1857)

تا دهه «1850» شرکت هند شرقی بسیاری از هند را کنترل می کرد بیک شرکت خصوصی که برای اولین بار در سال «1600» وارد هند شد و تجارت کرد ، سر انجام شرکت هند شرقی به عملیاتی دیپلماتیک و نظامی تبدیل شده بود.

تعداد زیادی از سربازان بومی ، معروف به سپه ، توسط این شرکت برای حفظ نظم و دفاع از مراکز تجاری به کار گرفته شدند. سپاهان عموماً تحت فرمان افسران انگلیس بودند.

در اواخر دهه «1700 و اوایل 1800» ، سپاهان تمایل به غرور و افتخار بزرگی از قدرت نظامی خود داشتند ، و آنها وفاداری عظیمی به افسران انگلیسی خود نشان دادند. اما در دهه «1830 و 1840» تنش ها شروع به ظهور کردند.

شماری از هندی ها گمان کردند که انگلیسی ها قصد داشتند جمعیت هند را به مسیحیت تبدیل کنند. تعداد فزاینده ای از مبلغان مسیحی وارد هند شدند و حضور آنها را شایعات مبنی بر تبدیل قریب الوقوع را فراهم آورد.

همچنین یک احساس کلی وجود داشت که افسران انگلیسی ارتباط خود را با سربازان هندی در زیر تسلط آنها از دست می دادند.

بر اساس یک سیاست انگلیسی به نام "دکترین گمشده"، شرکت هند شرقی کنترل ایالات هند را در دست خواهد گرفت که یک حاکم محلی بدون وارث در گذشته است. این سیستم در معرض سوءاستفاده قرار گرفت و شرکت از آن برای الحاق قلمروها به روشی سؤال برانگیز استفاده کرد.

با پیوستن شرکت هند شرقی به کشورهای هند در دهه 1840 و 1850، سربازان هندی در کار این شرکت احساس اهانت کردند.

نوع جدیدی از کارتریجهای «کارتوس یا مرمی» تفنگ باعث ایجاد مشکلات شده است
داستان سنتی سپتوی موتوری این است که معرفی کارتریج جدید برای اسلحه Enfield باعث دردهای زیادی شده است.

کارتریج ها به کاغذ پیچیده شده بودند، که در گریس پوشانده شده بود و کارتریج ها را آسانتر می توانست در بشکه های تفنگ بارگیری کند. شایعات شروع به گسترش یافتند که گریس مورد استفاده در ساخت کارتریج ها از خوک ها و گاوها گرفته شده است که این امر برای مسلمانان و هندوها بسیار توهین آمیز خواهد بود.

شکی نیست که درگیری در مورد کارتریجهای تفنگ جدید باعث قیام در سال 1857 شد، اما واقعیت این است که اصلاحات اجتماعی، سیاسی و حتی فناوری، صحنه را برای آنچه اتفاق افتاده بود، قرار داده است.

کنترول هند به دفتر هند تغییر داده شد (control of India shift to the India office)
دفتر هند یک اداره دولتی انگلیس بود که در سال 1858 در لندن برای نظارت بر اداره، از طریق یک وایسر و دیگر مقامات، ولایات هند انگلیسی تأسیس شد. این سرزمین ها اکثراً ملل یا مملکت های امروزی، بنگلادش برمه، هند و پاکستان و همچنین عدن و سایر سرزمین های اطراف اقیانوس هند را تشکیل می داد. این دپارتمان به ریاست وزیر امور خارجه هند، عضو کابینه انگلیس، که به طور رسمی توسط شورای هند توصیه

می شد، اداره می شد. پس از تقسیم هند بریتانیا در سال (1947) به دو سلطه (کشور) جدید مستقل هند و پاکستان، دفتر هند تعطیل شد. مسولیت روابط انگلستان با دوکشور جدید به دفتر روابط مشترک المنافع (سابقاً دفتر سلطه)



منتقل شد.

دفتر هند

ریشه ها و یا مبداء دفتر هند (1600-1800) ویرایش

شرکت هند شرقی در سال 1600 به عنوان یک شرکت سه می با زرگانان انگلیسی تأسیس شد که توسط یک سری منشور، حق انحصاری تجارت انگلیس با "هند" را دریافت کرد، که به عنوان سرزمین هایی که بین کیپ امید خوب و کشور تعریف شده است، تعریف شده است. تنگه های ماژلان؛ اصطلاح هند وستان از نام رودخانه ایندوس گرفته شده بود که از مدتها قبل برای تجارت و تمدن در منطقه اهمیت داشت. این شرکت به زودی شبکه ای از "کارخانه ها" را در سرتا سر هند و شرق هند در آسیا تأسیس کرد. طی یک مدت (250) سال، شرکت تحمل تغییرات اساسی در شخصیت و کارکردهای اساسی خود را داشت.

دوره رقابت بین شرکتهای قدیمی و جدید پس از سال 1698 منجر به تشکیل شرکت متحده بازرگانان بازرگانی در سال (1709) در هند شرقی شد. این شرکت جدید هند شرقی در نیمه دوم قرن «18» از بدنه عمدتاً تجاری با منافع تجاری پراکنده آسیا به یک قدرت بزرگ سرزمینی در آسیای جنوبی با دفتر مرکزی آن در بنگال، ایالت کنونی غرب بنگال هند تبدیل شد. بنگلادش پیامدهای سیاسی این تحولات سرانجام باعث شد دولت انگلیس در سال (1784) مؤسسات دائمی (هیئت کنترل) در لندن را به نظارت بر سیاستهای هند این شرکت منصوب کند.

این تغییر در وضعیت شرکت به همراه سایر عوامل منجر به اعمال مصوب سالیهای (1813 و 1833) شد که تجارت انگلیس با هند شرقی را برای کلیه حمل و نقل باز کرد و منجر به خروج کامل شرکت از کارکردهای تجاری آن شد. این شرکت همچنان به مسولیت

تحت نظارت هیئت ، برای دولت هند بریتانیا تازمان سازماندهی مجدد در سال « 1858 » ادامه داد.

در اکثر این تغییرات ، ساختاری اصلی سازمان شرکت در خانه هند شرقی در شهر لندن تا حد زیادی بدون تغییر باقی مانده است ، که متشکل از یک هیات بزرگ از صاحبان سهام یا سهامداران و یک دادگاه انتخاب شده به ریاست یک رئیس و معاون رئیس که به یاری مقامات دائم ، مسئولیت رفتار روزانه تجارت شرکت را بر عهده داشتند. هیئت کنترل دفتر جداگانه خود را نزدیک ساختمانی دولتی در وست مینستر حفظ کرده است.

با قانون دولت هندوستان « 1858 » ، این شرکت و هیئت کنترل شرکتهای هند شرقی توسط یک وزارت امور خارجه جدید در لندن ، دفتر هند ، که تحت عنوان وزیر امور خارجه هند فعالیت می کرد ، به عنوان یک مجری جایگزین شد. دفتر دولت انگلستان در کنار وزارت امور خارجه ، دفتر استعمار ، دفتر کشور و دفتر جنگ.

توضیحات و توابع ویرایش (لایحه وظایف)

وزیر امور خارجه هند وستان به کمک يك قانونگذار قانونی از مشاوران ، به شورای هندوستان یاری می کرد ، و رئیس ستادی از کارمندان دولت را سازمان می داد که در يك سیستم دپارتمانهایی که عمدتاً از شرکت و شرکت هند شرقی و مؤسسات کنترل میکردند ، در آن ساختمان مستقر شد. ساختمان جدید دفتر هند در وایت هال. وزیر امور خارجه هند تمام عملکردهای اجرایی را که قبلاً توسط این شرکت انجام شده بود ، به ارث برد و تمام اختیارات "نظارت عالی ، جهت و کنترل" بر ادارات استانی «ولایتی» انگلیس در آسیای جنوبی را که قبلاً توسط هیئت کنترل اعمال می شده بود ، به ارث برده است یا به ارث می برد. ارتباطات بهبود یافته با جنوب آسیا - کابل های تلگراف زمینی و زیر دریایی (1868-1970) و افتتاح کانال سوئز (1869) - این کنترل را به دست آورد ، از طریق ویسروای و والیان استانی که مناطق زیادی در مناطق آسیا ، آفریقا را تحت پوشش خود قرار می دادند ، کنترل شدند. و خاورمیانه ، در ربع آخر قرن نوزدهم مؤثرتر شد. فقط با اصلاحات قانون اساسی که در طول جنگ جهانی اول آغاز شد و توسط اقدامات هند در سالهای (1919 و 1935) انجام شد ، آرامش قابل توجهی از نظارت دفتر هند بر دولت انگلیس هند و به همراه آن در جنوب بوجود آمد. آسیا و گذاری تدریجی اختیارات به نهادهای قانونگذار و دولتهای محلی. همین اصلاحات اداری نیز در سال « 1937 » منجر به جدایی برمه از بقیه آسیای جنوبی و ایجاد دفتر برمه در لندن شد ، جدا از

دفتر هند اگرچه دارای همان وزیر امور خارجه و در همان ساختمان واقع شده بودند. با وقایع تدریجی و استقرار ملل مستقل و اعطای نهایی استقلال به هند و پاکستان امروزی در سال «1947» و به هم اکنون میانمار در سال «1948»، هم دفتر هند و هم دفتر برمه به طور رسمی منحل شدند.

در نتیجه درگیری گسترده در روابط خارجی و سیاست دفاعی کشورهای آفریقایی، آسیایی و خاورمیانه قبل از سال 1947، اداره هند همچنین مسئولیت [نیاز به شفاف سازی] مناطق خاص همسایه یا متصل را در زمان های مختلف بر عهده داشت. از مهمترین این موارد عبارتند از:

* - بنگال (1816-1616)؛

* - سپس سریلانکا سیلان نامیده شد (در حدود 1750-1802).

* - سنت هلنا (به سال 1834)؛

* - کیپ امید خوب (به سال 1836)؛

* - زنگبار، سومالی و اتیوپی (عمدتاً قرن نوزدهم)؛

* - دریای سرخ، شبه جزیره عربستان، کشورهای خلیج فارس، عراق و ایران (حدود 1600-1947)؛

* - افغانستان، روسی و آسیای مرکزی چین، تبت، نپال، بوتان و سیکیم (اواخر قرن هجدهم تا 1947).

* - مالایا و آسیای جنوب شرقی (به حدود 1867)؛

* - اندونزی (به حدود 1825)؛

* - چین (اوایل قرن هفدهم تا 1947)؛ و

* - ژاپن (قرن هفدهم).

* - گروه های دیگر درگیری نیز ناشی از علاقه دفتر دفتر هند به وضعیت مهاجران هندی به غرب هند، جنوب و شرق آفریقا و فیجی است.

*- دفتر هند دفاتر خود را در ساختمان اصلی دفتر امور خارجه و مشترک المنافع در وایت هال داشت.

ویرایش گاهشمار (تنظیم کرونولوژی)

1600 - فرماندار و شرکت بازرگانان تجارت لندن با هند شرقی. در لندن تأسیس شده است

1709 - با انتشار اتحادیه انگلیس و اسکاتلند ، شرکت هند شرقی انگلیس ظهور کرد.

1757 - شرکت هند شرقی پس از نبرد پلاسزی ، تسخیر قلمرو هند را آغاز می کند.

1765 - امپراتور Mughal حق جمع آوری درآمد زمین را به شرکت هند شرقی اعطا می کند.

1773 - وارن هاستینگز به عنوان اولین فرماندار بنگال منصوب شد.

1784 - دولت بریتانیا هیئت کنترل هند را در لندن تأسیس می کند.

1813 - پایان حقوق انحصاری شرکت هند شرقی بر تجارت با هند انگلیس با قانون منشور 1813

1833 - پایان حقوق انحصاری شرکت هند شرقی بر تجارت با چین

1857 - شورش هند در سال 1857 نظر محلی انگلیس ها را تغییر داد.

1858 - شرکت هند و هیئت کنترل هند در قانون 1858 توسط دولت هند و شورای هند جایگزین شد.

1937 - جدایی برمه از هند بریتانیا و تأسیس دفتر برمه.

1947 - سلطه هند و سلطه پاکستان. وضعیت تسلط به هر دو کشور اعطا شده است. هند آرزو دارد که در کشورهای مشترک المنافع بماند. لغو دفتر هند.

1948 - استقلال برمه و برکناری دفتر برمه

1971 - جدایی بنگال شرقی از پاکستان ایجاد بنگلادش امروزی.

پدرسالاری استبدادی"

ملکه ویکتوریا قول داد که دولت انگلیس برای "بهتر" کردن موضوعات هندی خود تلاش خواهد کرد. برای انگلیسی ها این به معنای آموزش هندی ها به شیوه های فکری انگلیس و قطع کردن رویه های فرهنگی از قبیل ساتی است - عمل به جان انداختن بیوه بر مرگ همسرش است."

انگلیسی ها همچنین سیاست های "تقسیم و حکومت" را ایجاد کردند و هندی های هند و مسلمان را در برابر یکدیگر قرار دادند. در سال «1905»، دولت استعماری، بنگال را به بخش های هند و مسلمان تقسیم کرد. این بخش پس از اعتراضات شدید باطل شد. انگلیس همچنین تشکیل لیگ مسلمانان هند را در سال (1907) تشویق کرد

----- **با تقدیم سلام ها (2020-03-11)**

دوام دارد